

فر دینان دو سوسور

کتاب جانان کالر سعی دارد یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان قرن بیستم را معرفی کند و به قول مترجم این کتاب هر آنچه را در کتاب خود سوسور یعنی دوره زبان‌شناسی عمومی بدون انسجام در کنار هم آمده است، به صورت مجموعه‌ای منظم ارائه کند. به باور کالر به چهار علت باید آرا و افکار سوسور را مطالعه کنیم: اول این که او به همراه امیل دورکهایم و زیگموند فروید مبنای جدید در مطالعه رفتار انسان ایجاد کردند که کل‌گرا بود و رفتار انسانها را به تک تک رویدادها نسبت نمی‌داد، بلکه به دنبال نظامی کلی و قالبی بود. دوم این که سوسور بانی پیدایش نشانه‌شناسی و ساختگرایی شد که اینها علاوه بر زبان‌شناسی در مردم‌شناسی، هنر و ادبیات نیز به کار رفته‌اند.

نکته سوم این که سوسور باعث ایجاد راهبردهای تفکری نوگرا شد که باورداشت باید برای مقابله با امور جهان چشم‌اندازی برگزید و برحسب روابط امور آنها را مطالعه کرد.

نکته آخر این که سوسور به دنبال کشف ارتباط بین ذهن و زبان بوده است. کتاب کالر به سباحث گسترده سوسور نظر دارد و فقط به مباحث نظری کتاب او نمی‌پردازد، و جنبه‌هایی از کار او را باز می‌کاود که فقط با تدوین کتاب سوسور مشخص نشده‌اند و اغلب با سوء تفاهم و سوء تعبیر همراه بودند. این کتاب سعی در برطرف کردن این سوء برداشتها دارد.

نکته مهمی که در مورد کتاب سوسور قابل بحث است این است که او هیچ‌گاه این کتاب را ننوشت و شاید دلیل آن از زبان خود او این باشد که «... در زبان‌شناسی حتی یک اصطلاح نیست که برایم مفهومی داشته باشد» وی باور داشته که زبان‌شناسی باید به تبیین موضوع مورد بررسی خود بپردازد تا بتواند روشی برای خود برگزیند. او زبان را نظامی از نشانه‌ها، یعنی رابطه بین دال و مدلول، می‌داند، و نشانه را اختیاری می‌داند، به این معنی که هیچ رابطه طبیعی بین دال و مدلول وجود ندارد. کالر اهمیت رابطه اختیاری بین دال و مدلول را در آن می‌داند که هیچ الزامی برای استفاده از یک دال خاص برای اطلاق به این یا آن مفهوم وجود ندارد و هیچ تعریفی نیز برای مفهوم نمی‌توان قائل شد که مفهوم برحسب آن مدلول یک دال معرفی

شود. به عبارت دیگر، هم دال و هم مدلول موجودیتهایی صرفاً رابطه‌ای یا اختیاری‌اند و همین رابطه‌ای بودن اینها دلیل اختیاری بودنشان است. نکته مهم در بحث انتخابی بودن نشانه این است که هر زبانی نه تنها دال، یعنی برش آوایی، را به صورت اختیاری انتخاب می‌کند، بلکه مدلول را نیز به روش خاص خود برمی‌گزیند و از روشی اختیاری برای سازمان‌بندی جهان به مفاهیم و مقولات بهره می‌برد. دال و مدلول، هر دو، تقطیع یا تقسیم‌بندی یک پیوستارند. دال طیفی آوایی را تقسیم‌بندی می‌کند و مدلول طیفی مفهومی را. پس دال و مدلول باید در رابطه با سایر دالها و مدلولها تعریف شوند و البته بین این واحدهای انتزاعی، تصور آوایی و تصور مفهومی، و تحقق مادی آنها تمایز قایل می‌شویم. پس واحد زبانی صورت یا نقش آن واحد است نه جوهر.

با تمایز بین زبان و تحقق واقعی آن، به تقابل بین زبان و گفتار می‌رسیم. سوسور زبان را نظامی اجتماعی می‌داند که مجموعه‌ای از صورتهاست، اما گفتار را پدیده‌ای عملی، عینی و فردی می‌داند. به واقع او زبان را اصلی و گفتار را فرعی و اتفاقی به حساب می‌آورد. وظیفه زبان‌شناس توجه به زبان است. با پذیرش تمایز میان زبان و گفتار، در سطوح مختلف زبانی نیز باید تمایز ایجاد شود. مثلاً بین آواشناسی و واج‌شناسی یا پاره‌گفتار به سابه واحدی از گفتار و جمله در حکم واحدی از زبان باید فرق بگذاریم. سوسور بین مطالعه همزمانی یعنی مطالعه نظام زبانی در وضعیتی خاص و بدون در نظر گرفتن زمان و مطالعه در زمانی آن یعنی مطالعه تحول زبان در طول زمان تمایز نهاده است. چون نشانه اختیاری است پس تابع تاریخ است، اما تحلیل نشانه باید غیرتاریخی باشد. از نظر سوسور توصیف همزمانی زبان بر تحلیل تاریخی آن برتری دارد. به باور سوسور، در توالی زبانی ارزش یک عنصر تنها به تباین میان آن عنصر و عناصر دیگری وابسته نیست که می‌توانند جانشین شوند، بلکه به روابط آن با عناصری که قبل و بعد از آن در توالی ظاهر می‌شوند نیز بستگی دارد. سوسور رابطه نوع اول را جانشینی و نوع دوم را همنشینی می‌نامد. این دو نوع رابطه در تمامی سطوح زبان عمل می‌کند.

پس از معرفی نظریه زبانی سوسور در فصل دوم، فصل سوم

● فردینان دوسوسور ● جاناتان کالر

مجموعه را اسیع استاد

● کورسین صوفی

● انتشارات هرمس، چاپ اول

نخست این که او تکالیف و وظایف زبان‌شناسی را معین و ماهیت رشته را مشخص کرد.

دوم این که مفاهیم خاصی را رواج داد که کم و بیش به همان ترتیب پذیرفته شدند، مثل تمایز زبان و گفتار، ابعاد همزمانی و درزمانی و زبان به عنوان نظامی از روابط همنشینی و جانیشینی. بسیاری از تحولات بعدی زبان‌شناسی را می‌توان مطالعه دقیق همین مفاهیم دانست. البته از دیدگاه دیگری می‌توان گفت زبان‌شناسی جدید پیرو نظریات سوسور نبود، زیرا رابطه بین زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی را درک نکرده‌است. او زبان‌شناسی را بخشی از نشانه‌شناسی می‌دانست، اما پس از او این مفهوم چندان درک نشد و امروزه زبان‌شناسی چندان نقشی در مطالعات نشانه‌شناسی بازی نمی‌کند.

فصل چهارم به بحث نشانه‌شناسی؛ میراث سوسور پرداخته است. در کتاب سوسور فقط بخش کوچکی به ارتباط بین زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی اختصاص یافته است. سوسور باور دارد زبان‌شناسی می‌تواند به مثابه الگویی برای نشانه‌شناسی عمل کند، چون نشانه‌های زبان دارای ماهیتی کاملاً اختیاری و قراردادی‌اند. بحث مطالعه نشانه، شاخه‌های مختلف مردم‌شناسی، زبان‌شناسی، هنر و ادبیات را زیر شاخه ساختگرایی گردهم می‌آورد. بقیه بحث این فصل شامل نشانه‌شناسی و ادبیات، تحریفات و کلام محوری، تعبیر آرای سوسور و ارتباط آن با مارکسیسم، روانکاوی و شالوده شکنی است.

کتاب کالر به درستی و به طور کامل آرای سوسور را گردهم آورده و جنبه‌های مختلف آن را باز کاویده است و به این ترتیب مجموعه‌ای فراهم آمده که شاید در هیچ منبع دیگری بدین جامعیت یافت نمی‌شود. ترجمه ساده و روان دکتر کورش صفوی که پیش از این کتاب خود سوسور را نیز ترجمه کرده است، درک کتاب را آسان‌تر می‌سازد. وقتی کالر در بخش نتیجه‌گیری به نقل از ارنست کاسیرر می‌گوید که «در سرانجام تاریخ علم، شاید هیچ فصلی جذاب‌تر و گیراتر از پیدایش «دانش جدید» زبان‌شناسی نباشد...» به اهمیت کار سوسور در پیدایش چنین دانشی پی می‌بریم.



کتاب به جایگاه نظریه‌های سوسور می‌پردازد. در فصل سوم به ارتباط نظریه‌های سوسور با آراء و عقاید پیش از او در زبان‌شناسی، رابطه آنها با دیدگاه‌های معاصر وی در سایر حوزه‌ها و تأثیر او بر زبان‌شناسی جدید و اقبال آرای او در میان زبان‌شناسان پس از او پرداخته شده است. سوسور بین فقه اللغه طبیعی و زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی تعایز می‌نهد. البته او دستور پورت - رویال را در قرن هفدهم دیدگاهی بی‌عیب و نقص می‌پندارد که دستور همزمانی و درزمانی را خلط نکرده‌اند. او نو دستوریان را زبان‌شناسانی می‌داند که بنیان مطالعه مناسب و شایسته زبان را پی‌ریزی کردند. کالر، سوسور را در کنار دو همعصر خویش، زیگموند فروید در روان‌شناسی و امیل دورکهایم در جامعه‌شناسی، قرار می‌دهد که هر سه این متفکران با خلق بافت معرفت‌شناسی تازه‌ای در رشته علمی خود، انقلابی در علوم اجتماعی پدید آوردند. این سه برخلاف اسلاف خویش که به اثبات‌گرایی باور داشتند اعتقادشان بر این است که جامعه برای انسان حکم واقعیتهای اولیه را دارد و صرفاً مجموعه‌ای از فعالیتهای فردی یا تظاهرات اتفاقی ذهن نیست. تأثیر سوسور به عنوان بنیانگذار زبان‌شناسی جدید بر زبان‌شناسان پس از خود به دو گونه است: